

## بررسی تحلیلی زمینه‌های شکل‌گیری مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجار تا پایان

عصر ناصری

(۱۳۱۳ - ۱۲۱۰ هـ. ق)

منیره صادقی<sup>۱</sup>

### چکیده

دوره حاکمیت قاجارها از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به ویژه از جهت تداوم سنت‌های حکومتی و دیوانی ایرانی محسوب می‌شود. در این دوره دیوانسالاری و سنت وزرات همانند دوره‌های اوج آن در تاریخ ایران، با اختیارات و قدرت بیشتری به ایفای نقش پرداخت. سنت حرمسرا داری نیز بار دیگر به عنوان شاخصه سلاطین حاکم بر ایران در ابعاد گسترده‌تری احیا گردید. مناسبات میان دو رکن مهم کارگزاران و ماموران اداره کشور با حرمسرای شاهی به رغم اینکه در تاریخ ایران سابقه‌ای طولانی دارد، در دوره قاجاریه گسترش پیدا کرد. با این حال، گسترش مناسبات در دوره قاجار تحت‌تاثیر زمینه‌های گوناگون داخلی و خارجی قرار گرفت. برخی از این عوامل اگرچه در گذشته تاریخی ایران نیز وجود داشته است؛ اما تحت‌تاثیر عوامل عمدتاً خارجی تشدید و باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در اداره امور کشور نیز می‌شد. به طوری که مناسبات شکل‌گرفته میان حرمسرا و دیوانسالاری ایرانی در دوره قاجار تحت‌تاثیر این زمینه‌ها و شرایط خاص سیاسی ایران، موجب بروز مشکلات بسیاری در روند اداره امور کشور در دوران قاجار نیز می‌شد. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی زمینه‌های شکل‌گیری مناسبات به منظور روشن نمودن روند پیچیده‌ای است که علاوه بر مشکلات داخلی، افزایش نفوذ خارجی را نیز به دنبال داشت. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی زمینه‌های ایجاد مناسبات بین حرمسرا و مجموعه دیوانسالاری ایران در دوره قاجار پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دیوانسالاری، حرمسرا، قاجار، مناسبات، صدراعظم.

حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و حاکمیتی از سابقه‌ای طولانی در تاریخ ایران برخوردار است؛ لذا بررسی تاثیرگذاری آنان در امور سیاسی برای شناخت بسیاری از وقایع هر دوره حکومتی ضروری است. مقایسه اجمالی سلسله‌های حکومتی ایران بعد از اسلام گواه این مدعا است که زنان در سلسله‌هایی که خاستگاه ایلیاتی داشته‌اند، از قدرت بیشتر و اعمال نفوذ بالایی در امور برخوردار بوده‌اند. چرا در ساختارهای ایلی به دلیل عدم حضور مداوم مردان، زنان قدرت عمل بیشتری پیدا می‌نمودند. حیطه تاثیرگذاری زنان در امور حکومتی نیز عموماً شامل وساطت و شفاعت و بیشتر اوقات درگیری با سیاستمداران و دیوانیان بود که سعی در محدود کردن قلمرو تاثیرگذاری آنان داشتند. مهم‌ترین ساختاری که در حکومت‌ها این فرصت را برای آنان فراهم می‌نمود، حرمسرا بود. حرمسرا اولین کانون حضور و نقش آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف حاکمیتی محسوب می‌شد. نحوه حضور زنان اکثراً از طریق تاثیرگذاری بر روی سلاطین بود به همین دلیل می‌توان گفت حضور سیاسی زنان، تقریباً در بیشتر موارد اگرچه قدرتمندانه ولی پنهانی و به جز زمان‌هایی که زنی قدرت را به تنهایی و بدون واسطه در دست داشت، تقریباً کمتر اتفاق می‌افتاد که آنان به طور مستقیم خود را درگیر امور سیاسی نمایند.

در دوره قاجار نیز چگونگی حضور زنان در عرصه سیاست با تفاوت‌های اندکی همان راه و روش‌های پیشین بود. اما دولت قاجاریه با مسائل جدیدی روبرو شد که حضور سیاسی حرمسرا و نحوه تعامل آنان با مجموعه دیوانسالاری کشور را تحت تأثیر خود قرار داد. یکی از این مسائل، ظهور قدرت‌های جدید در عرصه سیاست و نظام نوین جهانی بود که برای حضور در ایران نیز در رقابت سختی با یکدیگر بودند. نحوه تعامل این کشورها به خصوص انگلستان با ایران در دوره قاجار موجب بروز تغییرات جدیدی هم در عرصه سیاست و هم در عرصه فرهنگی در ایران شد. به طوری که به موازات تغییر در تشکیلات اداری ایران، تغییراتی نیز در حرمسرا به وقوع پیوست که حاصل تعامل قدرت‌های جدید با دو رکن مهم و تاثیرگذار در اداره امور ایران یعنی حرمسرا و دیوانسالاران بود. تا آنجا که دولت‌های اروپایی بخشی از فعالیت‌های خود برای پیشبرد اهدافشان در ایران را با شناسایی ارکان تاثیرگذار در عرصه سیاسی حکومت قاجاریه از جمله حرمسرا و دیوانسالاری و ایجاد مناسبات مستقیم و غیر مستقیم با آنان به پیش می‌بردند. علاوه بر این تغییرات سیاسی و فرهنگی روی داده در ایران عصر قاجار، برخی مسائل موجود در سنت حکومتی ایران نظیر استبداد فردی پادشاه که از جمله دلایل گسترش فساد اداری در دوره قاجاریه بود نیز از دیگر عواملی است که موجب شکل‌گیری بخشی از مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری ایرانی شد. از این رو





پژوهش حاضر در پی یافتن مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجاریه برای سهولت در تحلیل وقایعی که به دلیل مناسبات میان این دو نهاد در دوره قاجاریه روی داده است، می‌باشد.

با اینکه بررسی زمینه‌های ایجاد مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری ایرانی در دوره قاجاریه به دلیل تاثیرگذاری مناسبات این دو نهاد در رویدادهای سیاسی و اداری دوره قاجاریه، حائز اهمیت می‌باشد اما تاکنون پژوهش مستقلی که صرفاً بر روی این مناسبات متمرکز باشد، صورت نگرفته است. تحقیقاتی نظیر «اصلاحات سه ساله، بررسی جامعه شناختی شکست روندهای اصلاحی در عصر ناصری» تألیف جوادی یگانه و جوادی و مقاله ای با عنوان «نقش زنان حرمسرا در اصلاحات دوره ناصری» از نویسندگان فوق نیز در ذیل بررسی شکست اصلاحات به نقش حرمسرا نیز پرداخته شده است. در دیگر تحقیقات نظیر «زنان در تاریخ معاصر ایران» از کسری نیز در ذیل بررسی نقش سیاسی زنان حرمسرا بدون اشاره به موارد مطرح شده در پژوهش حاضر هم چون استبداد شخصی و فساد دستگاه اداری به گوشه‌ای از زمینه‌های شکل‌گیری مناسبات میان این دو نهاد به طور مختصر اشاره شده است. از این رو پرداختن به زمینه‌های ایجاد مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاران در دوره قاجار به عنوان پیش زمینه‌ای برای درک بهتر بخشی از رویدادهای دوره قاجاریه لازم و ضروری است.

### ۱- زمینه‌های داخلی

زمینه‌های داخلی ایجاد مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجاریه، برخی همانند استبداد سنتی پادشاهان ایرانی از گذشته نیز وجود داشته‌اند و در مواقعی باعث شکل‌گیری مناسبات میان حرمسرا و کارگزاران اداری نیز شده بودند. برخی نیز همانند پاره‌ای تغییرات روی داده در حرمسرا و دیوانسالاری ایران تحت تأثیر حضور عوامل و نیروهای خارجی شکل گرفت.

#### ۱-۱- تغییر در دیوانسالاری ایرانی

تغییر در دیوانسالاری ایرانی همزمان با گسترش تماس‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی مقارن با ایام حکومت فتحعلی شاه آغاز گشت (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۲۹۸). به همین دلیل، اولین تغییرات ایجاد شده در دیوانسالاری ایرانی نیز به نوعی بود که مطابق با نیازهای روز حکومت باشد. به عنوان نمونه، تشکیل وزارت امور خارجه در دوره فتحعلی شاه را می‌توان نتیجه گسترش مناسبات با اروپا دانست. به غیر از این تغییرات که برای بهبود عملکرد دستگاه دیوانی ایجاد می‌شد، تأثیر معنوی تحولات اجتماعی و سیاسی پیش آمده در اروپا در شکل



حکومت و تجدد خواهی سیاسی در ایران به نمایش درآمد. به این صورت که تعدادی از رجال سیاسی و روشنفکر موفق شدند با شیوه حکومت و سازمان‌های دولتی به مفهوم جدید در اروپا آشنایی پیدا کنند و مسافرت‌های خارجی این افراد به ویژه ناصرالدین شاه مقدمات تغییر در تشکیلات اداری را پدید آورد (زاهدی و تنکابنی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). هرچند پی‌ریزی تشکیلات جدید اداری در عصر ناصری آنگونه که انتظار می‌رفت نه تنها به بهبود روند اداره کشور کمکی نکرد بلکه در مواقعی، یکی از موانع اصلی اصلاح امور سیاسی و اداری به شمار می‌رفت. علاوه بر این تغییرات ایجاد شده که اکثراً به صورت ناقص انجام شد از عوامل تشدید فساد اداری بود که خود از زمینه‌های بسیار مهم در ایجاد مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجاریه محسوب می‌شود.

اگر بتوان اصلاحات اداری مورد نظر اشخاصی همانند میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین خان مشیرالدوله را تحت تأثیر آشنایی با پیشرفت‌های اروپا دانست، باید گفت این اصلاحات به عنوان جنبه مثبت تغییرات روی داده در دیوانسالاری با واکنش منفی و گسترده گروه‌های دارای قدرت در حکومت قاجاریه از جمله حرمسرا روبرو شد. باید اضافه نمود اگرچه اصلاحات از دوره عباس میرزا آغاز شده بود و او نیز با واکنش‌هایی در جامعه روبرو شد، اما اصلاحات صدراعظم‌های قاجاریه برای اولین بار موضع‌گیری حرمسرا را در این رابطه به دنبال داشت.

## ۲-۱- تغییر در حرمسرا

تغییرات روی داده در حرمسرای قاجاریه که در ابتدا اکثراً به صورت کالبدی و شکلی رخ نمود، به طور تقریبی از دوره فتحعلی‌شاه آغاز شد و در دوره ناصری به طور کامل قابل مشاهده گشت. علت اصلی بروز این تغییرات گسترده را می‌توان در نفوذ افکار و آداب و عقاید جدید دانست که عمدتاً حاصل آشنایی و رفت و آمد ایران با اروپا در این زمان بود و اولین تأثیرات خود را بر روی حرمسرا به عنوان یکی از اولین مکان‌هایی که زن ایرانی با اروپا و اروپائیان آشنا شد، گذاشت. از این نظر حضور اروپایی‌ها و بروز افکار و عقاید جدید را می‌توان علت اصلی تغییرات در حرمسرا دانست، زیرا با بررسی اجمالی حرمسرا در دوره‌های متفاوت تاریخی ایران کمتر تغییری در این مجموعه را چه به لحاظ ظاهری و چه از نظر افکار و عقاید ساکنان آن می‌توان دید.

اولین تغییرات روی داده در حرمسرا، از نظر شکل ظاهری و فرم لباس‌ها دیده می‌شود و به تدریج با گذشت زمان از نظر اندیشه و ایفای نقش متفاوت سیاسی - اجتماعی نیز قابل پیگیری است. تغییرات شکلی حرمسرا با بررسی کتب تاریخی این دوره به خصوص نوشته‌های مسافری خارجی که بیشتر به شکل ظاهری زنان حرمسرا (حرمسرای شاهی یا اشراف زادگان) پرداخته‌اند، قابل ردیابی است. به عنوان نمونه دکتر ویلز (Wills) که در اواخر دوره ناصری



به ایران سفر کرده به طور مستقیم از تغییرات در فرم لباس زن‌های ایرانی از جمله در شکل آن و جنس پارچه‌های مورد استفاده، صحبت نموده است (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۵). کارلا سرنا (Carla Serena) نیز از افراط زنان حرمسرا در پوشیدن لباس‌های کوتاه به سبک بالرین‌های اروپایی اشاره می‌کند به طوریکه بر خلاف گذشته، پوشیدن لباس‌های کوتاه‌تر مقبول و مطبوع زنان بوده است (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۴). به طور کلی می‌توان گفت این سبک لباس پوشیدن هم ناشی از مرادده با زنان اروپایی و هم ناشی از سفرهای ایرانیان به خارج به خصوص سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا بوده است. تقریباً به جز ناصرالدین شاه که سفرهای او تأثیر بسیاری بر روی شکل ظاهری زنان حرمسرا گذاشت، دیگر مسافران ایرانی دوره قاجار که به اروپا رفته‌اند نیز بیش از هرچیز بر شکل ظاهری زنان اروپایی و مقایسه آن با زن ایرانی توجه کرده‌اند. برای نمونه میرزا ابوالحسن خان ایلچی، یکی از اولین ایرانیان به اروپا رفته در دوره قاجار علاوه بر اشاره به آزادی پوشش زنان انگلیسی به عنوان یکی از دلایل اصلی پیشرفت معنوی آنان، به لباس و آرایش مو و چهره زنان اروپایی بیش از هر چیز دیگری اشاره می‌نماید (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۲۷-۱۶۳). با توجه به این نوشته‌ها و مقایسه‌هایی از این دست که میان زن ایرانی و زنان اروپایی انجام می‌شده، شاید بتوان گفت اکثر مردان درباری ایران که به اروپا سفر کرده‌اند، دلیل برخی پیشرفت‌های زنان اروپایی را در عدم حجاب آنان می‌دیدند.

با توجه به اینکه دولت‌های ذی نفع در ایران دوره قاجار از هر عامل و وسیله‌ای برای افزایش حضور خود و پیشبرد اهدافشان در ایران استفاده می‌نمودند، به نظر می‌رسد در برخی موارد به خصوص در رابطه با تغییر شیوه زندگی زنان ایرانی تلاش‌هایی صورت گرفته است. به عنوان نمونه در جریان سفر ابوالحسن خان ایلچی هنگامی که میزبانان سفیر نهایت حیران او را مشاهده نمودند، از این وضعیت استفاده و از وی می‌خواهند مقایسه‌ای میان شیوه زن اروپایی و زن ایرانی انجام دهد. ایلچی نیز در پاسخ می‌گوید: «طریقه شما بهتر است؛ از رهگذر اینکه زن مستوره چشم بسته و همچو مرغی که در قفس حبس شود و چون رهایی یابد، قوت پرواز به طرف گلشن ندارد، و زن پرگشوده به مصداق اینکه مرغان گلشن دیده‌اند، سیر گلستان کرده‌اند، به هر کمالی آراسته گردند...» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۶۳-۱۶۲). بنابراین شاید بتوان گفت آگاهی اروپاییان از دیدگاه‌ها و واکنش‌های ایرانیان، در نحوه تعاملات بعدی آنان با جامعه ایرانی بسیار اثرگذار بود و شاید حضور زنان خارجی با لباس‌ها و شیوه زندگی اروپایی به خصوص در حرمسرای قاجار آن چنان که زنان ایرانی را به تقلید وادار نماید نیز گوشه‌ای از برنامه‌های آنان برای حضور و تاثیرگذاری بر امور ایران دوره قاجاریه بوده است. به صورتی که شاید بتوان گفت تلاش اروپاییان برای ایجاد برخی تغییرات فرهنگی به خصوص در بین زنان نه تنها شامل حرمسرا بلکه به طور گسترده‌تری در برخی



جریان‌های اجتماعی - مذهبی دوره قاجاریه همانند جریان بایبه نیز قابل رهگیری است. اگر بتوان جریان بایبه را به عنوان جریانی وابسته و ساخته و پرداخته اروپا در نظر گرفت، حضور زنی چون قره العین که برای اولین بار بدون حجاب در جامعه دوره قاجار حاضر شده است، قابل تأمل می‌باشد (فتحی، ۱۳۸۳: ۴۰).

اما نوشته‌های ایرانیان در این زمان بیشتر به رفع محدودیت‌های سابق زنان و آزادی بیشتر آنان و در برخی مواقع اعلام نارضایتی و ناراحتی از این وضعیت پرداخته است. اعتمادالسلطنه از جمله افرادی است که به دلیل نزدیکی به دربار، شاهد بسیاری از تغییرات بوده است. در ذکر یک مهمانی رفتن انیس‌الدوله و آزادی او در رفت و آمد، مثالی از اوایل دوره ناصرالدین شاه می‌آورد که مادرشاه با وساطت صدراعظم توانسته بود به دیدار برادر بیمارش برود اما اکنون «قسمی شده که زن‌های شاه غالباً از این خانه به آن خانه می‌روند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۷۷۲). اگر چه جامعه ایران با همه نارضایتی که نسبت به فرهنگ غربی داشت، نمی‌توانست به راحتی از کنار آن عبور کند. این مورد دست مایه تألیف کتاب‌هایی مانند تأدیب النسوان شد که اگرچه دیدگاهی آمیخته از سنت دینی - ایرانی و فرهنگ غربی دارد، اما «بسیار واپسگرا از هر کدام از این فرهنگ‌ها به خصوص فرهنگ غربی هر آنچه را که مورد نظر جامعه مردسالار دوران ناصری است، برگزیده و از این راه پند و اندرزهای متناقضی را نسبت به زنان صادر می‌نماید» (کراچی، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵).

از نوشته‌های افراد ذکر شده، چنین بر می‌آید که روش معمول زندگی در حرمسرا و نزد بزرگان به طور سریعی در حال تغییر بوده است و مراودات اشراف با خارجیان در این تحول بی‌تأثیر نبوده است (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۶). هم چنان که سفر ایرانیان به کشورهای خارجی و مشاهدات آن‌ها از سبک زندگی و آزادی زنان اروپایی نیز از دیگر عوامل تأثیر گذار در تغییر سبک زندگی و اندیشه زنان بود. هرچند در عمل این تغییرات در اکثر اوقات نتوانست تأثیر عمیقی بر روی زنان در اخذ سیاستی مستقل از رجال و کارگزاران درباری داشته باشد.

#### ۱-۲-۱- حضور زنان خارجی در حرمسرا

حضور زنان خارجی در ایران دوره قاجار به تدریج باعث ظهور تغییراتی در حرمسرا شد که در برخی موارد نقش زنان حرمسرا در امور را تحت‌تأثیر قرار داد. تأثیر زنان خارجی در وهله اول، ایجاد یک نوع حس کنجکاوی و گاهی اوقات سعی در شبیه نمودن خودشان به آن‌ها بود. ویلز در این باره می‌گوید: «زنان ایرانی به محض آشنایی و هم صحبتی و برقراری معاشرت و مجالست با زنان اروپایی، سعی در آموختن طرز لباس، رفتار و آداب و اصول آنان



می‌کنند و از همه لحاظ در پی تقلید از آنان بر می‌آیند و این کار را یک نوع رشد شخصیت و روشنفکری برای خود به شمار می‌آورند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۵۷).

یکی از زنان خارجی در ارتباط با حرمسرای قاجاریه که از او اطلاعاتی وجود دارد، همسر استاد محمد علی چخماق ساز بود که با بانوان حرم عباس میرزا در ارتباط بوده است (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۱/۱۶۷). دیگر زن خارجی، بانویی فرانسوی بوده است که فلانندن در هنگام حضورش در تهران او را دیده است. این زن با جلب نظر فتحعلی شاه و عباس میرزا، وارد اندرون شده و مسئول آموزش زبان فرانسوی به شاهزادگان بوده است. اما اولین زن خارجی که در امور سیاسی دربار قاجاریه تأثیر گذاشت، زنی فرانسوی الاصل از اهالی اورلئان (Orlean) بود که مسلمان شده و فارسی را فرا گرفته بود (فلانندن، ۲۵۳۶: ۱۱۶). این زن موسوم به مادام حاجی عباس گل‌ساز بعد از ورود به ایران همراه با شوهر ایرانی‌اش به زودی توانست راهی به حرمسرای قاجاریه برای خود باز کند. سرپرستی ناصرالدین میرزا ولیعهد و خواهرش ظاهراً بر عهده این زن بوده است تا جایی که آنان را فرزند خویش می‌نامید (امانت، ۱۳۹۳: ۱۰۹). او برای زنان از شاهان فرهنگ و تاریخ فرانسه و اروپا می‌گفته است. هم چنین در زمان بیماری محمد شاه، مهد علیا را برای به دست گرفتن امور، آماده و برای او تاریخ بعضی از ملکه‌های اروپا را که بعد از مرگ شوهر تا به سلطنت رسیدن پسرانشان حکومت را در دست داشته‌اند، نقل می‌کرده است. ظاهراً همین زن، تحریک کننده مهدعلیا برای برقراری ارتباط با وزرای مختار روس و انگلیس نیز بوده و در قسمتی از توطئه‌های طرح شده بر ضد امیر کبیر دست داشته است. این زن تأثیر عمیقی در روابط بعدی مهدعلیا با خارجی‌ها نیز داشته و به نوعی توجه و اعتماد او را نسبت به آنان جلب کرده است (عظیم زاده تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

علاوه بر این مورد حضور زنان خارجی، حبس کنجکاوی حرمسرا را درباره نحوه زندگی اروپایی و شیوه حکومت آن‌ها جلب می‌کرده است. به عنوان نمونه سؤالات مهد علیا از لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس بیانگر میزان کنجکاوی حرمسرا و زنان ایرانی در رابطه با نحوه زندگی اروپایی است. هم چنین نشان دهنده طرز فکر و عقیده مهد علیا، به عنوان قدرتمندترین زن مملکت در آن زمان است که بیش از هر چیز سعی در یافتن نقاط مشترک میان وضعیت کنونی خود با ملکه انگلیس دارد. شیل در این رابطه می‌نویسد: «مادر شاه از من سؤالات متعددی درباره ملکه انگلیس نمود، از جمله می‌خواست بداند او چگونه لباس می‌پوشد و چند پسر دارد. می‌گفت به نظرش آدمی خوشبخت‌تر از علیاحضرت ملکه انگلیس در دنیا وجود ندارد چون خانواده‌ای صمیمی، شوهری فداکار و قدرتی فراوان دارد...» (شیل، ۱۳۶۸: ۷۴). شیل درباره یکی از خواهران شاه نیز مواردی شبیه به مهدعلیا را مطرح



می‌کند و او را مشتاق به کسب اطلاعات از رسوم اروپایی‌ها به خصوص شیوه زندگی زنان انگلیس معرفی می‌نماید (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۱). تقاضای همین زن از شیل برای طراحی لباسی شبیه به لباس زنان اروپایی برای او، جنبه‌ای دیگر از اشتیاق حرمسرا برای شبیه شدن به زنان خارجی را نشان می‌دهد. حضور زنان سفرای خارجی در حرمسرا مطمئناً کمک ویژه‌ای به سفرا و مأموران خارجی در تنظیم سیاست‌هایشان نسبت به دولت قاجاریه کرده است. همسر سرگور اوزلی (Sir Gore Ouseley) اولین زن خارجی بود که از جانب سفارت خانه وارد حرمسرا شد، اما در دوره‌های بعدی به ویژه دوره ناصری، همسران سفرا و کارمندان اروپایی مقیم ایران و سیاحان وارد حرم می‌شدند. این ارتباطات تا جایی گسترش یافته بود که وظیفه اصلی انیس‌الدوله، پذیرایی از زنان فرنگی در دربار قاجاریه بود (فوریه، ۱۳۶۲: ۲۰۳).

### ۳-۱- شیوه حکومت استبدادی

اصولاً قاجارها نه تنها تشکیلات اداری صفویان، بلکه این نظریه را که شاه سایه خدا بر روی زمین است، به علاوه تشریفات دربار سلطنتی صفویه را به رغم مغایرت با زندگی صحرائشینی خود اقتباس نمود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۳۴). شاه قاجاریه در واقع یک مستبد تمام عیار بود که جان و مال رعایایش و تمامی اموال کشور متعلق به او بود، به طوری که هر چه می‌خواست، می‌کرد بدون آنکه ترسی از مجازات و عقوبت داشته باشد (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۵۷). این تصویری است که اکثراً از شاه قاجاری توسط خارجیان مقیم ایران ترسیم شده است. همین تصویر را از برخی مکتوبات ایرانیان این دوره نیز می‌توان دید. به عنوان نمونه استبداد بی‌اندازه شاه ایران در نامه‌ای که از قائم فراهانی به مک نیل در تاریخ ۸ شوال ۱۲۳۵ هـ. ق (۶ ژوئن ۱۸۳۸ م) این گونه می‌تواند دید «تا جایی که به یاد داریم و یا در تاریخ آمده است شاهان ایران همواره نسبت به رعایای ایران مستبد بوده‌اند. به زندگی، دارایی، خانواده، حیثیت ... آنان چنان تسلطی داشته‌اند که حتی اگر فرمان قتل هزاران بی‌گناه را صادر می‌کردند، کسی را یاری بازخواست از آنان نبود» (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

استبداد بی‌اندازه شاه نه تنها درباره عامه مردم، بلکه در دستگاه اداری قاجار نیز به نحو بارزی قابل مشاهده بود، به طوری که همین امر باعث فساد و در نتیجه نا کارآمدی دستگاه اداری قاجاریه و بروز مشکلات عدیده در نحوه اداره امور کشور شده بود و حتی تشکیلات نوین اداری دوره ناصری را نیز تحت تأثیر قرار داد.

اگر چه تصور می‌رفت تشکیلات جدید اداری که باعث تقسیم امور و وظایف بین افراد می‌شد، نه تنها اداره امور را بهبود ببخشد، بلکه مانعی در جهت استبداد شاه نیز ایجاد کند، اما از میان برداشتن نقش صدر اعظم عملاً از وقوع





این امر جلوگیری کرد. زیرا صدرعظم ناظر بر کلیه دستگاه‌های دولتی و امور مملکتی بود که غیبت او، اکثر امور و مشاغل را بر عهده شاه می‌گذاشت (واتسن، ۱۳۴۰: ۲۰). به نظر می‌رسد بعد از ایجاد دوباره مقام صدارت در دستگاه دیوانی ناصرالدین شاه، استبداد بی‌اندازه شاه به علت تجمع گسترده مشاغل و مناصب به ویژه در اواخر عصر ناصری به نقش صدراعظم منتقل شده بود و این نقش نه تنها دیگر محدودکننده قدرت پادشاه نبود بلکه خود یک مستبد بی‌کم و کاست بود. تاج السلطنه در این باره می‌نویسد: «از وقایع عمده دولت و ملت آن هم در ایران به واسطه سلطنت مستقله اختیار دین و دولت به دست پادشاه است و اختیار پادشاه در دست امین السلطان» (تاج السلطنه، بی‌تا: ۲۳). این امر تنها در رابطه با اجرای امور بلکه درباره انتصاب مقامات مختلف نیز اعمال می‌شد، به طوری که شاه مختار بود هرکس را به هر درجه و مقامی که می‌خواهد منصوب کند یا از آن مقام و درجه عزل نماید. از این رو ممکن بود کسی که درایت و کاردانی لازم را دارد، مورد بدگمانی قرار گیرد و از مقامش عزل شود یا حتی به مجازات و مرگ محکوم شود (واتسن، ۱۳۴۰: ۲۰). کشتار خانواده حاجی ابراهیم خان کلانتر، کورشدن برادران محمدشاه و قتل میرزا ابولقاسم خان فراهانی و مجازات‌هایی که نسبت به اعیان و کارگزاران اداری از جانب شاه اعمال می‌شد، نمونه‌هایی از مصون نبودن افراد و مقامات از گزند استبداد شاه بود. این مورد به ویژه در رابطه با اشراف و کارگزاران دیوانی، موجب پیدایش مسئله دیگری در ایران دوره قاجار شد و آن توجه و استعانت روز افزون این طبقه از جامعه ایران نسبت به خارجیان مستقر در کشور بود. در واقع کارگزاران اداری با توسل به نمایندگان خارجی در ایران علاوه بر حفظ خود از استبداد بی‌اندازه شاه، قدرت عمل و نفوذ این کشورها را نیز در ایران دوره قاجار افزایش می‌دادند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۵: ۲۴۷). هم چنین از آنجایی که حرمسرا تأثیر به‌سزایی بر تصمیمات شاه داشت و بنا به گفته اعتمادالسلطنه تعدیل‌کننده خشم پادشاه نسبت به زیر دستان بود، علاوه بر خارجیان بسیاری از مقامات درصدد جلب نظر حرمسرا نیز بر می‌آمدند و نه تنها در نظر حفظ مقام خود و مصون ماندن از مجازات و مواخذه بلکه در پیشبرد بسیاری از اهداف و خواسته‌های خود نیز از هم پیمانی با حرمسرا بهره می‌بردند.

#### ۴-۱- فساد دستگاه اداری

استبداد سنتی ایرانی در دوره قاجار، سرچشمه فساد دستگاه اداری نیز بود، زیرا هر گونه ترفیع و تنزلی نه بسته به شایستگی افراد، بلکه بسته به خواست و اراده شاه یا کسانی بود که از جانب شاه قدرتی به آنان تفویض شده بود. از مهم‌ترین مظاهر فساد اداری در دوره قاجار، خرید و فروش مناصب و مشاغل حکومتی و اداری بود که خود یکی از عوامل اصلی ایجاد ارتباط میان حرمسرا و دستگاه دیوانسالاری در این دوره نیز شمرده می‌شود.



کرزن (Curzen) رسم خرید و اهدای مناصب را رسمی‌جاری در قرون متمادی تاریخ ایران می‌داند که محور گردش دستگاه حکومت و در عین حال سد و مانع در برابر هر گونه اصلاحی بوده است (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/۵۷۲). در حکومت قاجاریه نیز از دوره فتحعلی شاه به دلیل مخارج سنگین درباره اعم از مخارج حرمسرا و امور مربوط به آن، دولت مجبور شد علاوه بر دریافت مالیات کسری بودجه خود را از راه‌هایی چون تقدیمی و پیشکشی و مداخل و غیره تأمین نماید. گرچه این رسم در ابتدا برای احترام و قدرشناسی رعایا نسبت به شاه انجام می‌شد، اما به تدریج از حالت نخست خارج و حکم رشوه پیدا نمود (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۴-۲۳). از آنجایی که مشاغل دیوانی و حکومتی محدود بود، به مرور که وابستگان شاه یا افراد درباری به سن بلوغ می‌رسیدند، رقابت و کشمکش برای احراز مقام و منصب نیز شدت می‌یافت و در نتیجه همه در درگیری‌های شغلی و مالی قرار می‌گرفتند (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۷۹). علاوه بر این فروش مناصب به یک منبع درآمد مهمی برای شاه تبدیل شده بود، از این رو دست‌یابی به هر شغلی نیازمند زد و بندهای زودگذر و متغیر و ارتباطات غیر رسمی و حساب شده داشت (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۸۵). به همین دلیل هر مقامی به روش‌های گوناگون درصدد جلب نظر یکی از زنان حرم بر می‌آمد. حتی شخصی مانند امین السلطان که اغلب امور حکومتی و درباری در اواخر دوره ناصری با نظر و خواست او انجام می‌شد، نیز جانب احتیاط را از دست نمی‌داد و همواره با زنان منتفذ حرمسرا ارتباط ویژه‌ای برقرار می‌نمود، آنچنان که در ابتدا با آمینه اقدس و بعد از او دختر باغبانباشی (فاطمه ملقب به خانم باشی)، یکی دیگر از زنان محبوب اواخر دوره ناصرالدین شاه، مناسبات ویژه‌ای برقرار نمود بود (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۱۰۹). حکومت ایالات معمولاً به مزایده گذاشته می‌شد و هر کس پول بیشتر می‌داد، حکومت از آن او می‌شد. از آنجایی که دست‌یابی به مقام دولتی اولین پایه دست‌یابی به مال و مُکنت بود، برنده مزایده سعی می‌کرد تا به روش‌های گوناگون کسب درآمد کند، تا بتواند پس از مدتی دوباره منصب خود را خریداری نمایند و در نتیجه بار تمام این مخارج بر دوش دهقانان و مردم عادی ایالات قرار می‌گرفت (فوران، ۱۳۷۸: ۲۱۵). این رسم نه فقط در مورد حکومت ایالات بلکه در رابطه با دستگاه دیوانسالاری نیز اجرا می‌شد. به این صورت هر مقامی برای ابقا در منصب خود هر چند وقت یک بار باید و جویی را تقدیم مقام بالاتر از خود می‌نمود. از این رو هر مقامی در هر رده‌ای حق خود می‌دانست که نسبت به مقام پائین خود همین رفتار را داشته باشد (واتسن، ۱۳۴۰: ۲۱-۲۰). از آنجایی که هیچ مقامی امنیت کافی برای بقا در شغل خود را نداشت و انتصاب و ترفیع ماموران اداری در نهایت به اراده شاه بستگی داشت، زنان حرمسرا مهم‌ترین و گاهی تنها واسطه‌های جلب مراحم ملکوکانه بودند. نقش تأثیرگذار این زنان به ویژه در دوره ناصری دیده می‌شود.



## ۲- عوامل خارجی

در این مبحث به چگونگی حضور دولت‌های خارجی در ایران دوره قاجار که به تدریج به حضور و نفوذ فزاینده‌ای تبدیل شد، پرداخته می‌شود. دولت‌های دارای منافع در ایران، یا به دلیل پیشبرد خواسته‌ها و اهداف سیاسی و اقتصادی خود و یا به دلیل رقابت‌های استعماری و تلاش در جهت حفظ موازنه قدرت به راهکارهایی برای افزایش حضور و نفوذ خود در ایران دوره قاجاریه متوسل می‌شدند. این راهکارها که اکثراً به دلیل بی‌اطلاعی گروه‌های دارای قدرت از سیاست خارجیان به ضرر ایران تمام شد، در دو جهت ایجاد رابطه با مجموعه دیوانسالاران و کارگزاران اداری ایران و ایجاد رابطه با حرمسرای قاجاریه به کار گرفته می‌شد.

### ۱-۲- مناسبات سفارت خانه‌های خارجی با دیوانسالاری ایرانی

حضور سیاسی دولت‌های خارجی به ویژه روسیه و انگلستان در ایران عصر قاجار، اگر چه از ابتدای سلطنت قاجاریه به واسطه آگاهی اروپائیان به اهمیت ایران در تعیین مناقشات استعماری آنان آغاز شده بود، اما بعد از شکست‌های ایران از روسیه و انعقاد قراردادهای متعددی تجاری و سیاسی با دولت‌های اروپایی در اواخر عصر فتحعلی شاه، حضور این دولت‌ها به نفوذی قدرتمند تبدیل شد به طوری که تقریباً هیچ مسئله سیاسی در ایران بدون حضور نمایندگان خارجی انجام پذیر نبود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۵: ۲۴۶). اگر چه قسمتی از این نفوذ تابع شرایط سیاسی و نظامی نه چندان مناسب ایران بود که عرصه را برای قدرت‌نمایی دولت‌های خارجی فراهم می‌کرد، اما همانگونه که پیش‌تر گفته شد بخشی از این نفوذ نیز به دلیل شیوه حکومت استبدادی قاجاریه بود که باعث افتادن بسیاری از دیوانسالاران و کارگزاران اداری ایرانی در دامن دولت‌های خارجی به خصوص روسیه و انگلیس می‌شد. در واقع می‌توان گفت به جز حاجی ابراهیم خان کلانتر، قائم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیرکبیر، دیگر صدر اعظم‌های ایران به نوعی به یکی از دولت‌های خارجی حاضر در ایران وابستگی داشته یا از آنان پشتیبانی می‌نمودند. حتی ژوبر (Jaubert) فرستاده ناپلئون به دربار فتحعلی شاه در دیدار با میرزا شفیع مازندرانی او را به دلیل دوستی با فرانسه، پدر می‌نامند (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۴).

در نتیجه نفوذ فوق‌العاده دولت‌های خارجی در ایران، وزیر یا هر مقام اداری دیگر که تحت حمایت نمایندگان خارجی قرار می‌گرفت و بر طبق خواسته آن‌ها رفتار می‌نمود، نه تنها از هر پیگرد و مواخذه‌ای مصون بود بلکه هر گونه امر خلاف قاعده‌ای نیز می‌توانست در تحت حمایت آنان انجام دهد. ولی اگر حُسن نیتی نسبت به آنان نشان نمی‌داد، ممکن بود حتی جان و مالش نیز در معرض تعرض قرار گیرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۵: ۲۴۶).



شیوه همکاری کارگزاران ایرانی با خارجیان، عموماً از طریق ارسال پول و هدایا در ازای کسب اطلاعات یا پشتیبانی از مقاصد آنان دربار ایران بود (اتحادیه، ۲۵۳۵: ۴۳). به طوری که اکثر کسانی که تحت حمایت انگلستان قرار می‌گرفتند، حقوق ماهیانه از این کشور دریافت می‌نمودند و حتی اشخاص دیگر را نیز در ازای دریافت تحفه و هدایا به دوستی و سرسپردگی به انگلستان ترغیب و تشویق می‌نمودند (رائین، ۲۵۳۶: ۲۳). علاوه بر این افراد که عمال رسمی انگلستان بودند، عده‌ای نیز از روی منفعت شخصی برای این کشور کار می‌کردند، به طوری که در رابطه با حاجی محمدحسین خان و پسرش عبدالله خان، مستوفی و بیگلربیگی اصفهان و بعد صدر اعظم ایران، برای محافظت از منافع مالی خود در ایران به ویژه در جنوب ایران به ایجاد رابطه با انگلستان روی آورده بودند (اتحادیه، ۲۵۳۵: ۴۳). هم چنین انگلستان تلاش گسترده‌ای برای روی کار آوردن دست نشانندگان خود در گوشه و کنار ایران برای پیشبرد برخی اهداف خود داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به حکومت خاندان اللهیارخان آصف‌الدوله در خراسان اشاره نمود (رائین، ۲۵۳۶: ۱۴۷ - ۱۳۸). هم چنین اعطای مقام صدارت به میرزا آقاخان نوری که به طور رسمی تحت الحمایه انگلستان بود نمونه‌ای از تلاش‌های این کشور برای اعمال سیاست‌های خود از طریق هیئت حاکمه و دیوانیان ایرانی بود، به طوری که گفته می‌شود یکی از دلایل قدرت و نفوذ انگلیس‌ها در مسائل عصر قاجار، اطلاع آنان از تصمیمات دولت و جریان‌هایی بود که در دربار ایران اتفاق می‌افتاد (اتحادیه، ۲۵۳۵: ۴۱). علاوه بر آگاهی از امور داخلی که برخورد و موضع‌گیری انگلستان در قبال ایران دوره قاجاریه را آسان‌تر می‌نمود، شاید بتوان گفت انگلستان توسط همین افراد جذب کرده به خود، سیاست‌های خود در ایران از جمله به دست آوردن امتیازات سیاسی و اقتصادی را نیز راحت‌تر پیگیری می‌کرده است. به طوری که بررسی امتیازات اعطا شده به خارجیان در دوره قاجاریه به ویژه دوره ناصرالدین شاه نشان می‌دهد، صدراعظم‌های قاجاریه خود عامل اصلی اعطای بسیاری از این امتیازات چون رویتر و رژی بوده‌اند. مورد دیگری که باید به آن اشاره نمود ایجاد فرقه‌های جدیدی چون بابیه و استفاده از آنان در مواقع لزوم است که کشورهای خارجی را به ایجاد مناسبات حسنه با دیوانسالاران ایرانی ترغیب می‌نمود. بررسی چگونگی تشکیل فرقه‌ای چون بابیه و واکنش کارگزارانی چون امیرکبیر و سپس میرزا آقاخان نوری می‌تواند بیانگر این امر باشد که دولت‌های خارجی با جذب برخی از کارگزاران اداری ایرانی و تلاش برای ارتقای مقام آنان قصد و هدفی بیشتر از نفوذ و حضور در ایران دوره قاجاریه داشته‌اند و شاید بتوان گفت درصدد ایجاد تغییری اساسی در فکر و اندیشه مقامات ایرانی و سپس در کل جامعه بوده‌اند.



انگلستان از ایجاد مناسبات با دیوانسالاران ایرانی بیش‌ترین بهره را برد و البته بیش‌ترین تلاش را نیز در جهت جذب کارگزاران ایرانی نمود. این مسئله به ویژه در دوره ناصری بسیار قابل توجه بود. انگلیسی‌ها با تجربه دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی که باعث غلبه سیاست روسیه در دربار ایران شده بود، سعی دو چندان در جهت جذب کارگزاران ایرانی به خود نمودند و تا آن اندازه در این سیاست موفق بودند که اعتماد السلطنه در اواخر عصر ناصری، تقریباً تمام رجال ایران را نوکر انگلستان می‌نامد (اعتمادالسلطنه: ۱۳۴۵: ۳۸۸). برای نمونه در رابطه با امین السلطان گفته می‌شود آن چنان روابط صمیمانه‌ای با انگلستان مخصوصاً سردرومند ولف وزیر مختار انگلیس داشته است که در مقام صدراعظم ایران کمتر کار از امور مملکت را بدون مشاوره با او انجام می‌داده است (تیموری، ۱۳۳۲: ۷۴).

## ۲-۲- مناسبات سفارت خانه‌های خارجی با حرمسرا

اولین رابطه یک سفارت خانه خارجی با حرمسرای قاجاریه به سال ۱۲۲۶ هـ. ق و سفارت سرگور اوزلی اولین نماینده انگلستان با عنوان سفیر فوق‌العاده به ایران بر می‌گردد. اگرچه پیش از این زنان خارجی دیگری نیز وارد حرمسرا شده بودند، اما در این سفارت برای اولین بار نماینده یک کشور خارجی از طریق همسر خود با حرمسرای قاجاریه ارتباط برقرار می‌نماید. سپهر در ذیل وقایع مربوط به سفارت اوزلی در این باره چنین می‌نویسد: «سرگور اوزلی پس از تقبیل آستان به سرای خویش آمده، زوجه‌اش را که از بانوی سرای انگلیس نیز رسالتی داشت به توسط حاجی میرزا علی‌رضا، پسر حاجی ابراهیم خان شیرازی که خواجه سرای حریم سلطانی بود روانه حرم خانه داشت تا خدمت دختر ابراهیم خلیل خان جوانشیر [آغاباجی] را که بانوی کبیر بود، دریافت و از قبیل خاتون خود عنبرچه‌ای به الماس ترصیع یافته و چهارهزار تومان بها داشت، پیش‌گذرانید (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۰۸/۱). اگرچه نمی‌توان لزوماً این دیدار را دلیلی بر اهمیت نقش حرمسرا در نزد نمایندگان خارجی دانست، با این حال سیاستی ادامه دار بود که نه تنها شامل حرمسرا، بلکه شامل دیگر رجال سیاسی ایران نیز می‌شد. از این زمان به بعد سفارت خانه‌های خارجی، شروع به یافتن راه‌های جدیدی نمودند تا بهتر بتوانند اخبار درون حرمسرا و دربار را بدست آورند و در صورت امکان زنان با نفوذ حرم را در پیشبرد اهدافشان با خود همراه نمایند. به عنوان نمونه پیشکشی و هدیه دادن، سیاستی همیشگی در ابتدای راه برای جلب قلوب زنان با نفوذ بود. کمبل (Campbell) در خاطرات روزانه خود اشاره به اهدای این گونه پیشکش‌ها دارد و اضافه می‌کند در شرایطی که اهدای نوشیدنی گران قیمت



درخواست شده توسط تاج‌الدوله برای سفارت انگیس سنگین و سخت است، «مع الوصف خودداری از دادن چیزی که سالهای متمادی به طور مجانی داده می‌شده است، خارج نزاکت می‌باشد» (تیموری، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

انگلستان آغازکننده روابط با حرمسرا بود و در واقع تا پایان دوره سلطنت قاجاریه بیش‌ترین استفاده را به وسیله عوامل خود از حرمسرا برد، زیرا حضور فرانسه در ایران هیچ‌گاه دائمی نبود و هم‌چنین روسیه با امضای قرارداد ترکمانچای (۱۲۴۳ هـ. ق) امتیازات ویژه‌ای به دست آورده بود که نفوذش را بر روی حکومت قاجاریه تأمین می‌کرد.

### ۳-۲- پزشکان خارجی

شکل‌گیری روابط و عمیق شدن آن و ایجاد مناسبات میان حرمسرای قاجاری و سفارت خانه‌های خارجی عمدتاً مبتنی بر نقش و عملکرد افرادی بود که در نقش‌های مؤثر فعالیت می‌کردند. یکی از اولین نقش‌ها که عمدتاً انگلستان از آن برای آگاهی از امور دربار و حرمسرا استفاده کرده، بهره بردن از پزشکان وابسته به خود بود. میزان اعتماد به این پزشکان به ویژه در رابطه با حرمسرا، که تا مدت‌ها از نقاط ممنوعه دربار قاجاریه محسوب می‌شد را از میزان اطلاعات ارائه شده توسط پزشکان از حرمسرا و زندگی رایج در آن می‌توان تشخیص داد. به طور کلی پزشکان از شخصیت‌های محبوب در نزد حرمسرا محسوب می‌شدند، به صورتی که بلافاصله بعد از آگاهی از ورود هیئت‌های خارجی، پزشک همراه هیئت توسط زنان به اندرون دعوت می‌شد (فلاندن، ۲۰۳۶: ۵۸).

در طول حکومت قاجاریه پزشکانی با ملیت‌های گوناگون در دربار ایران حضور داشتند، اما پزشکان انگلیسی از این نظر شاخص هستند که عموماً به کار سیاسی هم می‌پرداختند و اکثراً با عنوان پزشک سفارت، وابستگان رسمی سفارت کشور متبوع خود بودند.

اولین گروه از پزشکان انگلیسی همراه با هیئت‌های نمایندگانی کمپانی هند شرقی وارد ایران شدند. دونفر از آن‌ها با نام‌های جیمز کمپ بل (James Campbell) و چارلز کورمیک (Charles Cormik) در تهران باقی ماندند و نفر سوم به نام اندرو جیوکس (Andrew Jukes) به عنوان جراح و معاون و مترجم نمایندگی مقیم بوشهر تعیین شد. (رایت، ۱۳۶۱: ۱۸). از این زمان به طور رسمی فعالیت‌های پزشکان انگلیسی در ایران آغاز شد. دکتر مک نیل اولین پزشک انگلیس بود که موفق شد با معالجه تاج‌الدوله، همسر سوگلی فتحعلی شاه مورد اعتماد او قرار بگیرد و در مواقع لزوم از نفوذ او استفاده کند (اتحادیه، ۲۰۳۵: ۴۳). مک نیل در طول سفارت سر هنری آلیس (Sir) Henry Ellis در تهران، عنوان طبیب سفارت خانه را داشت، در سال ۱۸۳۶ م/ ۱۲۵۲ هـ. ق به سمت وزیر مختاری



منصوب شد و از این نظر، بازهم اولین و در واقع تنها پزشک انگلیسی است که به آیین مقام رسیده است. او حتی در زمان سفارت نیز در غیاب پزشک سفارت به درمان شاه و خانواده‌اش می‌پرداخت (رابینو، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۱۰۸). مک نیل از خدماتی که یک پزشک می‌تواند به لحاظ سیاسی ارائه بدهد، آگاهی داشت و خود او در این باره عبارت «به عنوان محرم ارتباط بین سفارت و دربار» را به کار می‌برد (رایت، ۱۳۶۱: ۱۹۱).

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه نیز پزشکان انگلیسی سفارت، به حرم رفت و آمد زیادی داشتند. شاخص‌ترین آن‌ها دیکسون (Dickson) بود که مأموریت داشت چشم آمینه اقدس از همسران با نفوذ شاه را معالجه کند. اعتماد السلطنه در رابطه با دیکسون و علت حضور مداوم او در حرمسرا اطلاعات ذی‌قیمتی ارائه می‌دهد. به نظر او علت اصلی عدم درمان بیماری آمینه اقدس این بود که طبیبان ایرانی و دیکسون به سفارش سفارت انگلیس او را معالجه نمی‌کردند تا هم چنان راهی به حرم شاهی داشته باشند. نیاز انگلیس به رفت و آمد به حرمسرای شاهی به منظور کسب اطلاعات به ویژه در ارتباط با هرات و دانستن نظر دربار در رابطه با روسیه، سفارت را واداشت تا به خواجه آمینه اقدس مبلغی پول بدهد تا به شاه چنین القا کند که بیماری همسر محبوبش توسط پزشکان انگلیسی رو به بهبود است (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۵: ۳۸۹). رفت و آمد دیکسون به حرمسرای ناصرالدین شاه برای معالجه چشم آمینه اقدس و در کنار آن کسب اطلاعات، تنها نمونه‌ای از ارتباط ویژه و گسترده حرمسرای ناصری با سفارت انگلیس بود و تقریباً در تمام وقایع مهم دوره ناصری از بر تخت نشستن او که با رایزنی‌های گسترده مادرش با سفارت همراه بود تا بر کناری امیرکبیر و انتخاب آقاخان نوری و انتصاب ولیعهد، با همکاری میان حرمسرا و سفارت خانه‌های خارجی انجام پذیرفت.

علاوه بر حرمسرا، پزشکان انگلیسی، با عباس میرزا و نیز با خانواده‌های سرشناس تهران و تبریز در ارتباط بودند. دکتر کورمیک مقامی مشابهه مقام مک نیل در دربار عباس میرزا دارا بود ویلوک، سفیر انگلیس پیغام‌های محرمانه خود را توسط او به عباس میرزا می‌رساند (اتحادیه، ۲۵۳۵: ۴۳). پسر پزشک فوق نیز در سال ۱۸۴۶ م به ایران آمد و در تبریز علاوه بر تجارت دارو به درمان خانواده عباس میرزا نیز می‌پرداخت (رایت، ۱۳۶۱: ۱۹۲). چندی پس از مرگ دکتر کورمیک، از طرف حکومت هند دکتر پزشک انگلیسی دیگری به جای او تعیین گشت تا پزشک محمد میرزا ولیعهد و خانواده‌اش در تبریز باشد اما این پزشک نتوانست نفوذ کورمیک را بدست آورد.

## نتیجه‌گیری

مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری اگرچه سابقه‌ای طولانی در تاریخ ایران دارد، اما در دوره قاجار زمینه‌ها و عواملی باعث گسترش این مناسبات می‌شد. بخشی از مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالارن ایرانی به دلیل تغییرات سیاسی - فرهنگی روی داده در دوره قاجار شکل گرفته است. قسمتی از این تغییرات، تابع زمینه‌های داخلی و بخشی نیز به دلیل تغییرات پیش آمده خارجی بود. زمینه‌های داخلی نظیر استبداد سنتی پادشاهان ایرانی که به تبع آن باعث بروز فساد اداری نیز می‌شد، مورد جدیدی در حکومت‌های ایرانی نبود اما به دلیل تغییراتی که ریشه خارجی داشت، به خصوص حضور نمایندگان خارجی در ایران و استفاده آنان از این زمینه‌ها در دوره قاجاریه، موجب ایجاد بُعد جدیدی از مناسبات بین حرمسرا و دیوانسالاران شد. به این صورت که این تشکیلات به نمایندگان دولت‌های خارجی به صورت حامیانی می‌نگریستند، که قادر بودند منافع آنان را در مقابل استبداد و فساد فراگیر حکومت قاجاریه حفظ نمایند. در مقابل نمایندگان خارجی نیز برای پیشبرد اهداف مورد نظر خود در ایران به روش‌های گوناگون سعی در جلب نظر حرمسرا و کارگزاران اداری ایرانی داشته‌اند. مجموعه کارگزاران اداری در دوره قاجار اکثراً وابسته و مرتبط به یکی از چند قدرت خارجی حاضر در ایران بودند و گاهی اوقات به صورت واسطه‌های ارتباط میان حرمسرا و سفارت خانه‌های خارجی نیز ایفای نقش می‌نمودند. مناسبات دولت‌های خارجی با حرمسرا نیز در برخی مواقع از طریق مأموران خارجی مستقر در دربار نظیر پزشکان خارجی انجام می‌شد و در برخی مواقع همان گونه که گفته شد از طریق مجموعه دیوانسالاری رخ می‌داد.

## منابع

اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷). مقالاتی این جا طهران است (مجموعه درباره تهران ۱۳۴۴ - ۱۲۶۹ هـ. ق)، تهران: نشر تاریخ ایران.

\_\_\_\_\_ (۲۵۳۵). گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰ - ۱۲۰۰ هـ. ق)، تهران: نشر آگاه.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵). خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه ایرج افشار، تهران: نشر امیرکبیر.  
اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۵). میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.

امانت، عباس (۱۳۹۳). قبله عالم (ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران)، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه، ج ۵.





- امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی علی خان امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: نشر امیرکبیر، چ ۳.
- ایلچی، میرزا ابوالحسن خان (۱۳۶۴). *حیرت نامه: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به لندن*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- تاج السلطنه (بی تا). *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیوروس سعدوندیان، تهران: نشر خوارزمی، چ ۲.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲). *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: نشر اقبال.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۸۴). *دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران در سال‌های ۱۸۳۴ - ۱۸۳۳*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی یگانه، محمدرضا و جوادی، ریحانه (بهار و تابستان ۱۳۹۱). «نقش زنان حرمسرا در اصلاحات دوره ناصری»، *فصلنامه پژوهش‌نامه زنان*، ش ۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *اصلاحات سه ساله (بررسی جامعه‌شناختی شکست روندهای اصلاحی در عصر ناصری)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دوروششوار، کنت ژولین (۱۳۷۸). *خاطرات سفر در ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
- رابینو، لویی (۱۳۶۳). *دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رایت، دنیس (۱۳۶۱). *نقش انگلیس در ایران*، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران: نشر فرخی.
- رائین، اسماعیل (۲۵۳۶). *حقوق بگیران انگلیس در ایران*، تهران: نشر اساطیر، چ ۶.
- زاهدی، شمس السادات و تنکابنی، حمید (پاییز ۱۳۸۸). «درآمدی بر ریشه‌شناسی نهاد دیوانسالاری ایران در دوره قاجار»، *فصلنامه فرهنگ ویژه تاریخ*، ش ۷۱.
- ژوبر، پ. آمده (۱۳۴۷). *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علی قلی اعتماد مقدم، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلی شاه)*، ج ۱، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: نشر اساطیر.

سرنا، کارلا (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلا سرنا (آدم‌ها و آئین‌ها در ایران)، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی‌جا: نشر زوار.

- شیل، مری (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نشر نی، چ ۳.
- عظیم زاده تهرانی، مریم (۱۳۹۰). «سه زن دربار ناصری و تمدن اروپا»، پژوهش نامه تاریخ، ش ۲۰.
- فلاندن، اوژن (۲۰۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، بی‌جا: نشر اشراقی، چ ۳.
- فوران، جان (۱۳۷۸). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سالهای ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا، چ ۱۴.
- فووریه، ژان (۱۳۶۲). خاطرات دکتر فووریه (سه سال در دربار ایران)، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: نشر دنیای کتاب.
- کراچی، روح انگیز (۱۳۹۴). خشونت مشفقانه (روایتی از مردسالاری دوران ناصری)، تهران: نشر تاریخ نو.
- کرزن، جرج (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: نشر خوارزمی.
- کسری، نیلوفر (۱۳۸۹). زنان در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر بدرقه جاویدان.
- لمبتون، آن (۱۳۷۵). ایران در عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: نشر جاویدان خرد.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۰). تاریخ قاجار، ترجمه عباس قلی آذری، تهران: بی‌نا.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ترجمه حسین قراگوزلو، تهران: نشر اقبال.

